

وی به نوع ششم و نوع هفتم و نوع هشتم اشاره کرده و می نویسد:

«النوع السادس: من السحر: الاستعانة بخواص الأدوية مثل أن يجعل في طعامه بعض الأدوية المبلدة المزيلة للعقل و الدخن المسكرة نحو دماغ الحمار إذا تناوله الإنسان تبلى عقله و قلت فطنته. و اعلم أنه لا سبيل إلى إنكار الخواص فإن أثر المغناطيس مشاهد إلا أن الناس قد أكثروا فيه و خلطوا الصدق بالكذب و الباطل بالحق.

النوع السابع: من السحر: تعليق القلب و هو أن يدعى الساحر أنه قد عرف الاسم الأعظم و أن الجن يطيعونه و يتقادون له في أكثر الأمور، فإذا اتفق أن كان السامع لذلك ضعيف العقل قليل التمييز اعتقد أنه حق و تعلق قلبه بذلك و حصل في نفسه نوع من الرعب و المخافة، و إذا حصل الخوف ضعفت القوى الحساسة فحينئذ يتمكن الساحر من أن يفعل حينئذ ما يشاء و إن من جرب الأمور و عرف أحوال أهل العلم علم أن لتعلق القلب أثراً عظيماً في تنفيذ الأعمال و إخفاء الأسرار.

النوع الثامن: من السحر: السعي بالنميمة و التضريب من وجوه خفيفة لطيفة و ذلك شائع في الناس، فهذا جملة الكلام في أقسام السحر و شرح أنواعه و أصنافه و الله أعلم.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. نوع ششم کمک گرفتن از خواص دواست
۲. [تبدل عقله: کودن شد]
۳. اصل این تاثیر مسلم است اگرچه مردم مبالغه می کنند.
۴. نوع هفتم: تعليق قلب به این معنی که ساحر ادعای شناخت اسم اعظم و... کند و شنونده به سبب قلت عقل، فکر کند که او راست می گوید و در جان او نوعی ترس حاصل شود و به همین سبب قوای او ضعیف شود و ساحر بتواند که هر کاری که می خواهد انجام دهد.
۵. نوع هشتم: سعي به نميمه [سعایت کردن، تمامی کردن، دروغ بستن، افترا بستن] و تضريب [مبالغه در زدن]
۶. [مرحوم مجلسی عبارت را به همین گونه ضبط کرده است ولی صاحب جواهر عبارت را چنین آورده است: السعي بالنميمة و التعضير من...]<sup>۲</sup>

ما می گوئیم:

۱. مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۶۲۵.

۲. جواهر الكلام، ج ۲۳، ص ۱۴۵.



۱. مرحوم خوئی نوع هشتم را با عنوان «نمیمه» ضبط کرده است. <sup>۱</sup> و صراحةً می نویسند که در این مورد اطلاق سحر مجاز است «و لعل العلقه کون النمام یخبر عن امور واقعیه بنحو یوثر فی الشخص»<sup>۲</sup>
۲. محقق کتاب محاضرات فی الفقه الجعفری از ابن حجر هیثمی در الزاوج نقل کرده است که وی نوع هشتم را در اقسام سحر مطرح نکرده است.<sup>۳</sup>
۳. شاید علت اینکه نامی از سحر دانسته شده است آن باشد که در روایت چنین تعبیری وجود دارد «ان من اکبر السحر النمیمه»<sup>۴</sup>
۴. چنانکه گفتیم سه نوع سحر قابل تصویر است:  
الف دخالت در امور عالم عین به سببی غیر از اسباب متعارف.  
که این قسم خود دو نوع است:  
یک) در عالم عین که غیر انسان است، اثر می گذارد.  
دو) در بدن انسان دیگر اثر می گذارد (چشم زدن از این قسم است. اگرچه گاه غیر اختیاری است و سحر نامیده نمی شود)  
ب) تصرف در حواس ظاهره انسان های دیگر (شعبده)  
ج) تصرف در حواس باطنه انسان های دیگر  
این قسم هم به دو نوع تقسیم می شود:  
یک) قوه متخیله مسحور در اختیار ساحر قرار میگیرد تا چیزی در خیال او القا شود.  
دو) قوه متخیله مسحور در اختیار ساحر قرار میگیرد تا مسحور بتواند واقعیت هایی را ببیند (آینه بینی / هیپنوتیزم)  
در نوع اول، احتیاج به وجود انسان های دیگر نیست: در نوع سوم، فرد مقابل را می توان مسحور نامید.

۱. مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۲۹۲. / محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۲۹۸.

۲. محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۲۹۸.

۳. ج ۲، ص ۸۴.

۴. محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۲۹۸.

۵. بحار، ج ۶۰، ص ۲۱.

اما در اقسام فخررازی قسم اول و دوم و سوم و پنجم (در کلمات فخررازی) از نوع اول است (اگرچه قسم پنجم اگر عواملش شناخته شده باشد، دیگر سحر نیست) و قسم چهارم (در کلمات فخررازی) همان نوع دوم است و قسم ششم و هفتم همان نوع سوم است. اگرچه ممکن است برخی از اشکال اقسام اول و دوم و سوم، (در کلمات فخررازی) عملکردی مثل نوع سوم (که ما گفتیم) داشته باشند.



درس خارج فقه ائمه ایدین حینی